

# به نام خدا

## داستان: علی و (دادگاه سلامتی)

نویسنده: سمیه گلستانه

مراقب سلامت ناحیه دو کرج

یک روز علی همراه مادرش به بازار رفت، همانطور که داشت در خیابان راه می رفت و مغازه ها رو می دید، ناگهان متوجه تابلوی جالبی شد؛ روی تابلو نوشته شده بود (دادگاه سلامتی) و ورود برای عموم آزاد. علی به مامان گفت: مامان بیا بریم اونجا ببینیم چه خبره!

مامان گفت: آره علی جان جالبه بیا بریم

علی و مامان وارد ساختمان شدند، تعداد زیادی از مردم روی صندلی ها نشسته بودند و قاضی وارد دادگاه شد. همه قیام کردند علی با تعجب به اطراف نگاه می کرد.

قاضی: با چکش به میز زد و گفت دادگاه رسمی است. متهم ردیف اول شکر به جایگاه بیاید.

قاضی گفت: طبق تحقیقات انجام شده شما در بیشتر شیرینی ها، شکلات، انواع کیک ها بستنی ها دیده می شوید؛ گفته شده شما توجه بچه ها رو به خود جلب کرده اید، متاسفانه بچه ها به شما علاقه زیادی پیدا کرده اند سریع از خود دفاع کنید.

متهم اول شکر گفت: بله من در انواع کیک ها و شکلاتها و شیرینی ها هستم، من شیرینم و خوش مزه خیلی هم طرفدار دارم، در تمام جشنها و میهمانی ها ی شما شرکت دارم اکه من نباشم کام شما چگونه شیرین بشه!

قاضی گفت: وقت دفاع شما تمام شد؛ لطفا بنشینید. شاهد اول دکتر مرکباتی به جایگاه شهود بیایند.

شاهد اول دکتر مرکباتی گفت: جناب قاضی باوجود شکر و مصرف زیاد اون در بین بچه ها، آمار پوسیدگی دندان در بچه ها زیاد شده، خوردن شکلات و شیرینی و انواع کیک ها اشتهای بچه ها رو کم کرده و اونها از خوردن وعده های اصلی غذا غافلند در ضمن این متهم باعث چاقی شده، جناب قاضی همانطور که می دونید

وزن بالا رابطه ی زیادی با ابتلا به فشار خون و افزایش چربی خون و دیابت دارد من از جناب قاضی اشد مجازات را برای این متهم خواستارم.

علی این دادگاه برایش خیلی جالب بود و با دقت تماشا می کرد

قاضی گفت: لطفا بنشینید، متهم ردیف دوم روغن به جایگاه بیاید

متهم دوم روغن گفت: جناب قاضی من که کاری نکرده ام فقط اگه ما نباشیم غذا دیگه خوش مزه ولذیذ نمی شه، چرا منو محاکمه می کنید این بی انصافی اگه من نباشم غذاهای شما چطور چرب و سرخ ولذیذ شه منم که غذاهای شما رو خوش مزه می کنم همه ی جامعه مخصوصا بچه ها منو دوست دارن، سیب زمینی سرخ شده، مرغ سوخاری، غذاهای فست فود من خیلی طرفدار دارم.

قاضی گفت: وقت دفاع شما تمام شد لطفا بنشینید. شاهد دوم جناب دکتر سیفی جات به جایگاه شهود بیایند

شاهد دوم گفت: جناب قاضی، مصرف بی رویه چربی جات باعث اضافه وزن و چاقی شده که در سنین بالا انسان ها رو دچار مشکل می کنه فشار خون و بیماریها ی قلبی و دیابت از عوارض چاقی است. جناب قاضی از اونجا که این متهم همه مردم رو فریب داده و توجه همه رو به خودش جلب کرده و ذائقه

همه ی انسان ها رو عوض کرده من از دادگاه محترم اشد مجازات را برای این متهم خواستارم .

قاضی گفت: ممنون لطفا بنشینید. متهم ردیف سوم نمک به جایگاه بیاید، لطفا از خود دفاع کنید.

متهم سوم نمک گفت: آقای قاضی چرا می خواهید منو محاکمه کنید من نمک هستم دارای یدم اگه من نباشم همه ی مردم دچار کمبود ید می شن و بیما ر میشن لطفا من و محاکمه نکنید اگه من نباشم غذاهای شما نمکی و خوش مزه نمی شن بدون من غذاهاتون بی مزه است.

قاضی گفت: وقت دفاع شما تمام شد لطفا بنشینید.

شاهد سوم دکتر لبنیاتی: جناب قاضی این متهم حد و حدود خود را در سفره های ما ایرانی ها رعایت نکرده و سه برابر مصرف جهانی در کشور ما مورد استفاده فشار خون و در نهایت سکت قلبی مبتلا شوند و مصرف زیاد نمک باعث شده کلسیم جذب بدن نشود و بیشتر مردم به بیماری پوکی استخوان مبتلا شوند، لذا از قاضی محترم

دادگاه اشد مجازات را برای این متهم خواستارم.

قاضی گفت: دادگاه رسمی است .

از آنجایی که این متهمین جرم زیادی در جامعه کرده اند باعث بیماری و حتی مرگ بسیاری از ما انسان ها شده اند و با توجه به این که ما انسانها به شکر و روغن و نمک نیاز داریم ولی به مقدار خیلی کم و چون آن ها جایگاه خود را در هرم غذایی ، ما انسان ها رعایت نکرده اند . آن ها در بالای هرم غذایی قرار دارند ولیکن به علت تبلیغات زیادی که کرده اند فرزندان ما و اکثر مردم جامعه ما رو فریب داده اند و عادت غلط غذایی را در جامعه رواج داده اند و دادگاه آنان را به خاطر جرم شان که بازی با جان ما انسان هاست به حبس ابد محکوم می کند تا برای دیگر دوستان شان درس عبرتی باشد و دیگر این چنین با زندگی فرزندان ما بازی نکنند. (ختم جلسه ) همه مردم قیام کردند و شروع به تشویق کردند. علی به مادرش گفت مامان چقدر خوب شد این هارو گرفتن من به خودم قول می دهم از این خوراکی های مضر استفاده نکنم و مراقب سلامتی ام باشم . مادر علی گفت: آفرین پسرم سلامتی از بهترین نعمت های خداوند است و وظیفه ما محافظت از این سلامتی است. علی جان شعار مون رو که یادت هست (یک عمر سلامتی با خود مراقبتی ) ما قرار با مراقبت از خودمون یک عمر سلامت و با نشاط زندگی کنیم . علی گفت : بله مادر متوجه شدم



پایان